



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The New York Times

خطر بزرگ در منطقه

ممانعت از وقوع جنگ منطقه‌ای همواره یکی از دستورکارهای دولت بایدن در ده ماه گذشته بوده است. واشنگتن برای دستیابی به این هدف از دیپلماسی فعال در کنار اعزام دارایی نظامی به منطقه استفاده کرده است. در عین حال دولت بایدن دستور حمله به مواضع نیروهای مورد حمایت ایران را از آغاز بحران غزه صادر کرده است. در یمن نیز دولت بایدن دو ائتلاف بین‌المللی را برای حفاظت از کشتیرانی بین‌المللی شکل داده و مواضع حوثی‌های یمن را بمباران کرده است. ترکیبی از این تاکتیک‌ها تا زمانی کارکرد داشت که ایران ۳۰۰ پهپاد و موشک را در پاسخ به حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق به سمت اسرائیل شلیک کرد. آمریکا به همراه متحدان منطقه‌ای و اروپایی اش تا حدود زیادی این حمله را خنثی کرد. اما به‌رغم هشدارهای آمریکا، استفاده از دیپلماسی و نیروی نظامی، بازدارندگی در قبال ایران محقق نشد. اگر حمله‌ی ماه آوریل ایران به اسرائیل موجب آسیب‌های جانی و مالی بیشتری می‌شد ممکن بود اسرائیل واکنش تندی نشان دهد و در آن صورت وقوع جنگ منطقه‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌شد. حالا بار دیگر منطقه در آستانه یک جنگ منطقه‌ای قرار گرفته است. ترور اسماعیل هنیه در تهران و ترور فواد شکر در بیروت موجب شده که ایران و حزب‌الله خود را مکلف به پاسخ به اسرائیل بدانند. آمریکا بار دیگر همان راهکار قدیمی را به کار گرفته است. بار دیگر یک ناو جنگی را به منطقه اعزام کرده و اسکادرانی از جنگنده‌ها و یک زیردریایی هسته‌ای را راهی منطقه کرده است. واشنگتن ابزار دیپلماسی را نیز به کار گرفته تا بر ایران فشار وارد کرده و ایران را از پاسخ منصرف کند. اما طی پنج ماه گذشته، ممانعت از جنگ در خاورمیانه به کاری کاملاً متفاوت تبدیل شده است. بایدن در بهار امسال نتوانست جلوی پاسخ ایران به اسرائیل را بگیرد. بنابراین حال نیز سخت است تصور کنیم موفق خواهد بود. ممکن است اسرائیل و آمریکا باور داشته باشند که نه ایران و نه حزب‌الله خواستار جنگ بزرگ نیستند. اما هر دو طرف در حال تحقیر اسرائیل هستند. خطر زیادی وجود دارد که گزینه انتقام بر قدرت عملگرایی چیره شود. اگر این بار حمله‌ای گسترده‌تر از قبیل به اسرائیل طرح‌ریزی شود و این حمله از لبنان، عراق، سوریه، یمن و ایران کلید بخورد، خطر بسیار جدی است. این خطر نیز وجود دارد که حزب‌الله پیش از حمله اصلی، سامانه دفاع هوایی اسرائیل را مختل کند. اگر این بخواد از وقوع یک جنگ همه‌جانبه دور شود مسلماً پاسخ باید زیرساخت‌های نظامی و مراکز جمعیت اسرائیل را شامل نشود. اجرای چنین پاسخی، با شدت بیشتری نسبت به پاسخ ماه آوریل، اما با درجه تحریک‌پذیری کم، در معرض شدید اشتباه و خطای محاسباتی است. شاید دولت بایدن به اسرائیل سیگنال بدهد که اهداف مورد حمایت ایران در منطقه و حتی اهدافی در خاک ایران را هدف قرار خواهد داد؛ اگر ایران دست به حمله به اسرائیل بزند. در حالی که جهان منتظر پاسخ ایران به اسرائیل است، وضعیت در نقاط دیگر پرتنش شده است. نیروهای مورد حمایت ایران در عراق و سوریه به مواضع نیروهای آمریکایی حمله می‌کنند و یکی از حمله‌ها به زخمی شدن یک نظامی آمریکایی انجامیده است. بایدن هنوز دستور حمله متقابل را صادر نکرده و این مسئله ممکن است موجب شود این گروه‌ها به حملاتشان ادامه دهند. جو بایدن اخیراً گفته است که انتظار دارد ایران دست نگه دارد تا مذاکرات آتش‌بس غزه مسیر خود را طی کند اما چشم‌انداز توافق در این مذاکرات تیره است. ایران که می‌داند اختلاف میان طرف‌های مذاکرات زیاد است به دنبال مشروعیت‌بخشی به پاسخ خود به اسرائیل است. اگر این تحلیل درست باشد، همه‌رخدادها به سمت احتمال وقوع یک جنگ میل می‌کنند.



برینگاد قزاق در دوره ناصرالدین شاه توسط افسران روس راه‌اندازی شد

روسیه تزاری و سوابق آن برای کسب امتیازات و نفوذ در ایران

متجساز ولی ناکام

آب و هوای غیرمعمول گرم و مرطوب، سی و سه هزار سرباز خود را به دلیل بیماری از دست دادند. آنها همچنین بیشتر اسب‌های خود را از دست دادند و با کمبود شدید عرضه مواجه شدند. از این رو مجبور شدند با پشت سر گذاشتن پادگان‌های متعدد، ارتش خود را عقب برانند و متحدان گرجی و ارمنی خود و نقشه‌های بلندپروازانه خود را برای الحاق استان‌های خزر کنار بگذارند.

در سال ۱۷۲۳، فرستاده شاه طهماسب دوم، پسر شاه فقید، در سن پترزبورگ با روسیه قراردادی امضا کرد که به موجب آن ایران شهرهای دربند و باکو و استان‌های گیلان، مازندران و استرآباد را به روسیه واگذار کرد. شاه طهماسب از تصویب این معاهده امتناع کرد، اما روسیه پادگان‌هایی را در دربند، باکو و گیلان داشت. در سال ۱۷۲۴، روسیه با عثمانیان قراردادی امضا کرد که کنترل عثمانی بر آذربایجان و بیشتر ماوراء قفقاز را به رسمیت شناخت، در حالی که استان‌های دریای خزر تحت کنترل روسیه باقی ماندند. پتر کبیر در سال ۱۷۲۵ درگذشت و ملکه «آنا» در قراردادهای رشت و گنجه با نادرشاه موافقت کرد که نبردهای روس را از تمام سرزمین‌های ایران خارج کند. پس از آن، روابط ایران و روسیه تا اواخر قرن هجدهم محدود بود؛ زمانی که کاترین کبیر سیاست‌های توسعه‌طلبانه را از سر گرفت.

روابط ایران و روسیه به‌ویژه پس از مرگ نادرشاه و انحلال سلسله افشاریه که در نهایت جای خود را به سلسله قاجاریه در اواسط قرن هجدهم داد، دوباره افزایش یافت. اولین سفیر ایران قاجار در روسیه میرزا ابوالحسن خان ایلیچی بود. در اوایل قاجار، روسیه توسعه‌طلبانه سلطه خود در قفقاز و استان‌های خزر را از سر گرفت. سیاست کاترین کبیر همچنین شامل اتحاد با گرجی‌های مسیحی و ارمنی‌های قفقاز برای جلوگیری از پیشروی‌های مکرر عثمانی بود. گرجی‌ها که از سوی عثمانی‌ها و آقامحمدخان تهدید می‌شدند، از روسیه حمایت می‌کردند و در سال ۱۷۸۳، معاهده گنورگی امضا شد که پادشاهی گرجستان را تحت‌الحمایه روسیه قرار داد. در سال ۱۷۹۵، آقامحمدخان در تلاش برای اتحاد مجدد امپراتوری ایران، به گرجستان حمله کرد و تفلیس را غارت کرد اما با مرگ آقامحمدخان سپاهی که از روسیه آمد بدون رویارویی با نیروهای ایرانی پس از یک سال قفقاز را ترک کرد. در نوامبر ۱۷۹۶، کاترین کبیر درگذشت و پسرش و امپراتور جدید روسیه، پل بلافاصله دستور بازگشت سربازان از قفقاز را صادر کرد.

زیرا سطح توسعه نظامی و سیاسی آنها تقریباً یکسان بود. پتر کبیر سیاست‌های تهاجمی را در قبال ایران آغاز کرد. اگر چه او عمدتاً نگران موقعیت روسیه در اروپا بود، اما در سرزمین‌های شرقی از جمله ایران، قفقاز و آسیای مرکزی نیز طرح‌هایی داشت. شاه سلطان حسین گروهی با محموله عظیمی از کالاها و مأموریت برای مذاکره در مورد حقوق بازرگانان ایرانی در روسیه به مسکو فرستاد و در پی آن به بازرگانان ایرانی در روسیه برخی از مزایای مالیاتی اعطا شد، اما روس‌ها خواستار آن شدند که بازرگانان روسی هم بتوانند آزادانه ابریشم را از ایران، عمدتاً گیلان، صادر کنند و بازرگانان ارمنی در جلفا تجارت ابریشم خود را منحصراً از طریق روسیه هدایت کنند. اگر چه پتر سعی داشت از این سفارت اطلاعاتی در مورد اوضاع داخلی ایران استخراج کند، اما اعضای آن چیز قابل توجهی فاش نکردند.

در سال‌های ۱۷۱۵-۱۷۱۸، افسر جوانی به نام آرتمی پتروویچ ولینسکی به ایران فرستاده شد تا اطلاعاتی درباره سپاه و قلعه‌ها و اوضاع سیاسی و اقتصادی آنجا جمع‌آوری کند. او همچنین می‌بایست شاه‌سلطان حسین را متقاعد می‌کرد که یک اتحاد نظامی علیه عثمانی‌ها منعقد کند و یک قرارداد تجاری که انحصار روسیه در تجارت ابریشم در ایران و تجارت روسیه با هند را از طریق ایران به رسمیت بشناسد. اطلاعاتی را که او در یک دفتر روزانه مخفی ثبت کرد فروپاشی دولت صفوی را به درستی پیش‌بینی می‌کرد. او همچنین اولین معاهده تجاری با ایران را با موفقیت منعقد کرد که به بازرگانان روس مزایای مختلفی از جمله تجارت آزاد ابریشم اعطا کرد. بر اساس این عهدنامه، روسیه نیز کنسول‌های خود را به اصفهان و گیلان فرستاد.

تهدید عثمانی برای ایران ضعیف‌شده، همراه با تهاجم افغان‌ها و انحطاط عمیق داخلی، پتر کبیر را متقاعد کرد که برای جلوگیری از ظهور عثمانی‌ها در مرزهای جنوب شرقی روسیه مداخله کند. پتر علاقه قابل توجهی به منابع استان‌های دریای خزر از جمله ابریشم، میوه‌ها، شکر، احتمالاً مس، آهن، سرب و نمک داشت. حمله قبایل لرگی قفقاز که در آن چند تن از بازرگانان روسی کشته شدند و برخی دیگر دارایی‌های خود را از دست دادند، بهانه‌ای برای حمله به پتر داد. دو ماه قبل از سرنگونی شاه‌سلطان حسین توسط افغان‌ها، پتر در رأس بیش از صد هزار سرباز روسی به سواحل قفقازی دریای خزر حمله کرد. او در بندر تصرف کرد. با این حال، روس‌ها به دلیل



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

روابط ایران و روسیه به بیش از یک هزار سال پیش برمی‌گردد؛ پیش از قرن هجدهم، ایران و روسیه در روابط تجاری و دیپلماتیک پراکنده خود با یکدیگر برابر رفتار می‌کردند. از زمان سلطنت پتر کبیر، روسیه به دنبال طرح‌های توسعه‌طلبانه علیه ایران شد که در قرن نوزدهم با الحاق سرزمین‌های ایران و مداخله تهاجمی در امور داخلی ایران به اوج خود رسید. در اواخر قرن نوزدهم، روسیه در حالی که با بریتانیا رقابت موفقیت‌آمیز داشت، امتیازاتی را در ایران به دست می‌آورد، به پادشاهان ایران وام می‌داد، سرزمین‌های ایران را اشغال می‌کرد و حاکمان ایرانی را برای اتخاذ سیاست‌های باب میل خود تحت فشار قرار می‌داد.

پترکبیر و توجه به جنوب

قبل از پتر کبیر ارتباط ایران و روسیه در زمینه تجارت وجود داشته است. مسیر اصلی تجاری که ایران را به روسیه باستان متصل می‌کرد، از دریای خزر و رودخانه ولگا می‌گذشت. حملات مغول تجارت را قطع کرد. احیای روابط اقتصادی و سیاسی روسیه و ایران از اواسط قرن پانزدهم آغاز شد. بازرگانان روسی که به ایران سفر می‌کردند اغلب سفرهای تجاری را با مأموریت‌های دیپلماتیک از سوی حاکمان خود ترکیب می‌کردند. در آن زمان صادرات ایران به روسیه شامل پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای، پارچه‌های گلدوزی‌شده، برنج، میوه و ادویه‌های هندی بود. ایرانیان از روسیه خز، کهربا، کریستال، چرم، کاغذ، فلزات و نیز پارچه‌های پشم اروپایی وارد می‌کردند. ایران صفوی و ایالت مسکو در روسیه برای اولین بار سفیران خود را مبادله کردند و از سال ۱۵۸۶ روابط دیپلماتیک منظمی برقرار کردند. مبارزات ضدعثمانی با چندین تلاش برای انعقاد معاهده نظامی، به‌عنوان اصلی‌ترین منافع مشترک سیاسی ایران و روسیه در طول دوره حکومت صفویه وجود داشت. ایران صفوی همزمان با روسیه و امپراتوری عثمانی برای تسلط بر قفقاز در حال رقابت بود.

در مجموع، پیش از زمان پتر کبیر، با وجود اختلافات گاه و بیگاه، ایران و روسیه با یکدیگر برابر رفتار می‌کردند،

بر اساس سوابق آن برای کسب امتیازات و نفوذ در ایران